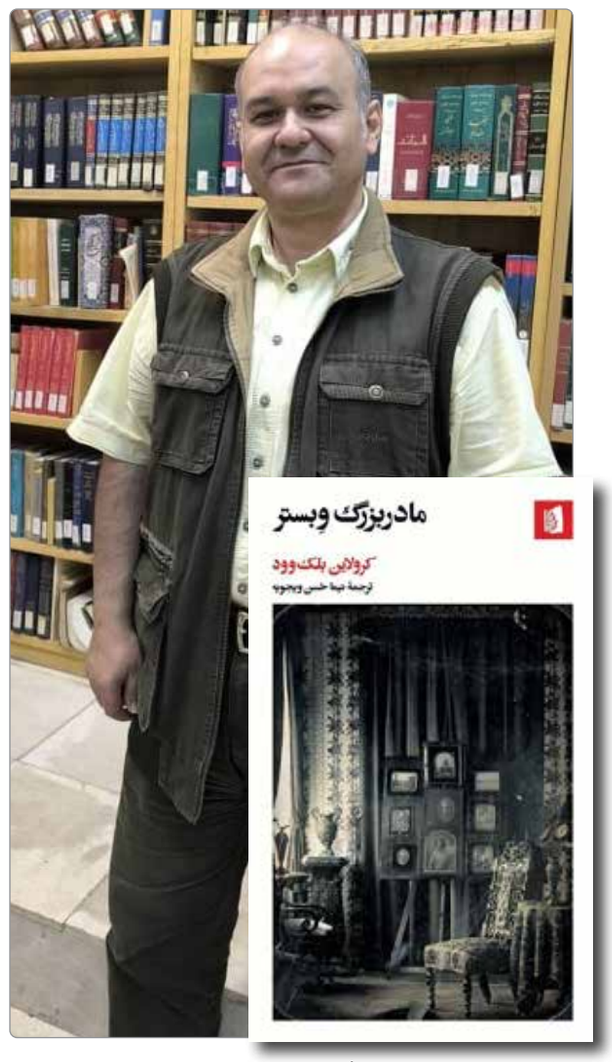
نگاهی به رمان «مادربزرگ وبستر» اثر کرولاین بلک‌وود

خانه‌ای که شادی در آن ممنوع بود



آرمان ملی: «رمان کوتاه اما تأثیرگذار «مادربزرگ وبستر» نخستین بار در سال ۱۹۷۷ منتشر شد و در همان سال به فهرست نامزدهای نهایی جایزه «بوکر» راه یافت. این رمان توسط آقای نیما حسن ویجویه به فارسی ترجمه شده و نشر «بیدگل» سال ۱۴۰۴ در ۱۰۰۰ نسخه آن را به چاپ رسانده است...» سید شهاب‌الدین ساداتی مدیر گروه ادبیات جهان در مرکز تحقیقات زبانشناسی درباره این رمان مقاله‌ای درباره این اثر نوشته که در ادامه خواهید خواند.

زندگی کرولاین بلک‌وود

کرولاین بلک‌وود (۱۹۳۱–۱۹۹۶) نویسنده، روزنامه‌نگار و رمان‌نویس بریتانیایی - ایرلندی بود که زندگی نامتعارفش پیوند نزدیکی با جهانی داشت که بعدها در آثار ادبی خود به تصویر کشید. او در خانواده‌ای ثروتمند و بانفوذ، از خاندان مشهور گرینس، به دنیا آمد و در محیطی رشد کرد که امتیازات اجتماعی، ثروت موروثی و انتظارات طبقه‌ی اشرافی نقش مهمی در آن داشتند. با این حال، ثروت و موقعیت اجتماعی لزوماً به خوشبختی منجر نمی‌شوند و بلک‌وود نیز به‌تدریج نگاهی انتقادی به قراردادها و ارزش‌های جهان پیرامون خود پیدا کرد.

زندگی شخصی او نیز به اندازه‌ی آثارش غیرمتعارف بود. او با لوسین فروید (نقاش برجسته و نوه زیگموند فروید)، آیزاک سیتکویتز (آهنگساز)، و رابرت لاول (شاعر آمریکایی) ازدواج کرد. ارتباط او با هنرمندان، روشنفکران و اعضای طبقات مرفه جامعه، فرصتی فراهم آورد تا تناقض میان احترام و اعتبار ظاهری از یکسو و رنج‌های پنهان زندگی خصوصی از سوی دیگر را از نزدیک مشاهده کند. بلک‌وود در دهه ۱۹۷۰ انتشار آثار داستانی خود را آغاز کرد و به‌تدریج به‌سبب نگاه تیزبینانه، طنز سیاه و جسارتش در آشکار کردن جنبه‌های ناخوشایندِ جامعه مرفه شناخته شد. او علاوه بر داستان‌نویسی، در زمینه روزنامه‌نگاری و نگارش آثار غیرداستانی نیز فعالیت داشت. «مادربزرگ وبستر» یکی از شناخته‌شده‌ترین آثار اوست و بسیاری آن را نمونه‌ای برجسته از توانایی ادبی او می‌دانند. اگرچه تجربه‌های زندگی بلک‌وود و پیشینه خانوادگی‌اش در شکل‌گیری این رمان بی‌تأثیر نبوده‌اند، نباید کتاب را صرفاً اعتراف‌نامه‌ای شخصی تلقی کرد. او تجربه‌های فردی و اجتماعی خود را به داستانی تبدیل می‌کند که هم سرگرم‌کننده و هم آزاردهنده است و خواننده را به اندیشیدن درباره زندگی، خانواده و مناسبات انسانی وامی‌دارد.

خانواده‌ای گرفتار در گذشته

راوی رمان، دختری چهارده‌ساله و بی‌نام است که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم برای استراحت و بازیابی سلامتی‌اش به خانه مادربزرگِ پدر خود، زنی سالخورده و سخت‌گیر که همگان او را مادربزرگ وبستر می‌نامند، فرستاده می‌شود. قرار است هوای ساحلی به بهبود حال دختر کمک کند، اما محیط تازه هیچ آرامشی برای او به همراه ندارد. زن سالخورده در خانه‌ای تیره و دلگیر در نزدیکی برایتون زندگی می‌کند؛ خانه‌ای که با نظم خشک، اثاثیه‌ی ناخوشایند و فضایی سرد و بی‌روح، گویی برای دور نگه داشتن هرگونه شادی طراحی شده است. مادربزرگ وبستر زنی است که عادت‌های سخت‌گیرانه و اصول تغییرناپذیرش بر زندگی همه سایه انداخته است. او به‌شدت به آداب و ظواهر اجتماعی پایبند است، از نظر عاطفی سرد به نظر می‌رسد و ظاهراً نمی‌تواند از لذت‌های ساده‌ی زندگی بهره‌ای ببرد. حتی خانه نیز بازتابی از شخصیت اوست: جایی که در آن خبری از گرما و صمیمیت نیست، سکوتِ سنگینی بر فضا حاکم است و زندگی روزمره به تمرینی برای تحمل کردن تبدیل شده است.

با آشنایی بیشتر راوی با بستگانش، داستان از محدوده‌ی این خانه و زن سالخورده فراتر می‌رود. اعضای دیگر خانواده نیز وارد روایت می‌شوند؛ هرکدام با گذشته‌ای دشوار و بار عاطفی خاص خود. مادربزرگی نامتعارف که زندگی آشفته‌اش با بیماری روانی گره خورده است و عمه‌ای که در ظاهر زندگی اجتماعی پررزق‌وبرقی دارد، اما در پس این ظاهر با مشکلات عمیقی دست‌وپنجه نرم می‌کند، از جمله این شخصیت‌ها هستند. زندگی آنها به‌تدریج تصویری از خانواده‌ای را آشکار می‌کند که در آن روابط شکست خورده، بی‌ثباتی عاطفی و فشار انتظارات اجتماعی، ردپایی ماندگار بر جای گذاشته‌اند. بلک‌وود داستان خود را به شکل معمایی متعارف با پیرنگی سرراست و مجموعه‌ای از افشاگری‌های هیجان‌انگیز پیش نمی‌برد. در عوض، او با کنار هم گذاشتن خاطرات، حکایت‌ها و جزئیات ناآرام‌کننده، تصویری تدریجی از خانواده می‌سازد. هر اطلاعات تازه‌ای که به دست می‌آید، برداشت ما را از شخصیت‌ها و جهانی که در آن زندگی می‌کنند تغییر می‌دهد. نتیجه، روایتی است که هم‌زمان به افسانه‌ای گوتیک، خاطرات خانوادگی و نوعی کمدی اجتماعی تلخ شباهت دارد.

استبداد سنت‌های خانوادگی

یکی از مهم‌ترین موضوعات رمان، قدرت سنت‌های خانوادگی است. مادربزرگ وبستر نماینده جهانی است که در آن قواعد از احساسات مهم‌ترند، حفظ ظاهر بر خوشبختی اولویت دارد و اطاعت، ارزشمندتر از صداقت عاطفی تلقی می‌شود. اقتدار او بر پایه‌ی محبت یا احترام متقابل شکل نگرفته است. او قدرت خود را از طریق ناراحت کردن دیگران، تحمیل خواسته‌هایش و ایجاد فضایی آکنده از ترس و اضطراب حفظ می‌کند. این زن نماد نوعی قدرت است که نه به دلیل محبوبیت، بلکه به این دلیل دوام می‌آورد که دیگران به اطاعت از آن عادت کرده‌اند. بلک‌وود از خلال این شخصیت، خواننده را با پرسشی اساسی روبه‌رو می‌کند: آیا یک سنت صرفاً به این دلیل که قدیمی است، شایسته‌ی احترام است؟ خانواده‌ها اغلب سنت‌های خود را حفظ می‌کنند، زیرا این سنت‌ها احساس هویت، تعلق و پیوستگی میان نسل‌ها را تقویت می‌کنند. اما زمانی که سنت‌ها به ابزار کنترل تبدیل شوند و اجازه ندهند افراد باورهای به‌ارث‌رسیده را به پرسش بگیرند یا فردیت خود را بیان کنند، دیگر نمی‌توان آنها را بی‌چون‌وچرا ارزشمند دانست.

پیام رمان این نیست که همه‌ی سنت‌ها زیان‌بارند؛ مسأله آن است که سنت، زمانی خطرناک می‌شود که به اقتداری غیرقابل پرسش تبدیل شود. ممکن است خانواده‌ای نام، دارایی و جایگاه اجتماعی خود را حفظ کند، اما در همان حال، ویژگی‌هایی را از دست بدهد که زندگی خانوادگی را معنادار می‌کنند: همدلی، درک متقابل و ارتباط انسانی واقعی.

انتقال نسل به نسل رنج

شاید نگران‌کننده‌ترین جنبه رمان «مادربزرگ وبستر» تصویر آن از انتقال رنج میان نسل‌ها باشد. شخصیت‌های رمان گویی در چرخه‌ای گرفتار شده‌اند که در آن مشکلات عاطفی یک فرد، به بخشی از محیط زندگی دیگران تبدیل می‌شود. البته رمان نمی‌گوید همه اعضای خانواده دقیقاً به یک شکل رنج می‌کشند. هر شخصیت ویژگی‌های خاص خود را دارد و به فشارهای خانوادگی واکنشی متفاوت نشان می‌دهد. با این حال، تجربه‌های آنها از تداوم نگران‌کننده‌ای میان گذشته و حال حکایت می‌کند. این موضوع برای خواننده امروزی نیز اهمیت فراوانی دارد. در دنیای امروز، بحث درباره‌ی روابط خانوادگی اغلب به موضوعاتی مانند غفلت عاطفی، الگوهای رفتاری به‌ارث‌رسیده و تأثیر تجربه‌های کودکی بر روابط بزرگسالی می‌پردازد. بلک‌وود نیز به شیوه‌ای داستانی (نه با زبان نظریه‌های روان‌شناختی) به مسائل مشابه نزدیک می‌شود. او به خواننده اجازه می‌دهد ببیند چگونه سردی عاطفی، ترس و سکوت می‌توانند به بخشی عادی از زندگی خانوادگی تبدیل شوند. نکته‌ی مهم این است که رنج ممکن است از نسلی به نسل دیگر منتقل شود، اما این انتقال سرنوشتی تغییرناپذیر نیست. انسان‌ها می‌توانند از خانواده خود تأثیر بپذیرند، بی‌آنکه برای همیشه اسیر گذشته‌ی آن باشند. شناخت الگوهای زیان‌بار، نخستین گام برای زیر سؤال بردن آن‌هاست. بلک‌وود راه‌حلی ساده برای شکستن این چرخه ارائه نمی‌کند، اما ما را تشویق می‌کند با دقت بیشتری به تاریخ عاطفی‌ای بنگریم که زندگی‌مان را شکل داده است.

طبقه اجتماعی و توهم آبرومندی

موضوع مهم دیگر در رمان، تقابل میان امتیازات ظاهری و بدبختی درونی است. شخصیت‌های بلک‌وود به جهانی تعلق دارند که با ثروت موروثی، خانه‌های باشکوه، ارتباطات اشرافی و آداب اجتماعی تثبیت‌شده شناخته می‌شوند. با این حال، هیچ‌یک از این امتیازات نمی‌توانند آنها را از تنهایی، رنج روانی یا روابط ویرانگر نجات دهند. فضای رو به زوال خانه‌ها و املاک خانوادگی، تصویری گویا از این تناقض ارائه می‌دهد. ساختمان‌ها و اشیای باقی‌مانده یادآور دوران اعتبار و رونق گذشته‌اند، اما وضعیت کنونی آنها از فرسودگی و بی‌توجهی حکایت دارد. دارایی‌های مادی هنوز وجود دارند، اما روابط انسانی‌ای که باید به آنها معنا ببخشند، از درون فروپاشیده‌اند. طنز اجتماعی بلک‌وود از آن جهت تأثیرگذار است که او برای افشای ریاکاری طبقات مرفه نیازی به سخنرانی‌های طولانی ندارد. رفتارها، عادت‌ها و محیط زندگی شخصیت‌ها خود به خود پوچی اولویت‌هایشان را آشکار می‌کنند. دغدغه‌ی آنها درباره‌ی موقعیت اجتماعی، اغلب بسیار بزرگ‌تر از ظرفیتشان برای مهربانی و همدلی به نظر می‌رسد. این انتقاد محدود به دنیای اشراف نیست. در جامعه امروز نیز ممکن است انسان‌ها موفقیت را با ثروت، پیشرفت شغلی، تحصیلات معتبر یا جایگاه اجتماعی بسنجند. بلک‌وود یادآوری می‌کند که هیچ‌یک از این عوامل نمی‌توانند بلوغ عاطفی یا روابط انسانی معنادار را تضمین کنند. ممکن است فردی از امتیازات مادی فراوان برخوردار باشد، اما از نظر عاطفی در جهانی به‌شدت فقیر زندگی کند.

طنز سیاه و فضای گوتیک

با وجود موضوعات نگران‌کننده، رمان «مادربزرگ وبستر» در بسیاری از لحظات خود بسیار خنده‌دار است. البته طنز بلک‌وود از آن نوعی نیست که آرامش و دلگرمی ایجاد کند؛ طنزی تیز، کنایه‌آمیز و گاه بی‌رحمانه است. شخصیت‌های او رفتارهایی دارند که هم مضحک‌اند و هم عمیقاً آزاردهنده. همین تضاد، خواننده را میان خنده و ناراحتی معلق نگه می‌دارد. این دوگانگی بخش مهمی از موفقیت رمان است. راوی رویدادهای عجیب خانوادگی را با لحنی آرام و بی‌تکلف تعریف می‌کند؛ گویی ناآرام‌کننده‌ترین تجربه‌ها نیز بخشی عادی از زندگی روزمره‌اند. نتیجه، اثری است که خواننده ممکن است ابتدا به رفتار نامتعارف یک شخصیت بخندد، اما لحظاتی بعد اندوه پنهان در پس آن را دریابد.

فضای گوتیک داستان نیز این تأثیر را تقویت می‌کند. خانه تاریک، املاک خانوادگی رو به زوال، رفتارهای عجیب بستگان و احساس حضور مداوم گذشته در زندگی حال، همگی یادآور سنت ادبیات گوتیک هستند. با این حال، بلک‌وود برای ایجاد ترس به هیولاهای فراطبیعی نیاز ندارد. سرچشمه‌ی اصلی اضطراب، خود خانواده است. از این منظر، رمان به ما یادآوری می‌کند که ترسناک‌ترین مکان‌ها لزوماً خانه‌های جن‌زده نیستند. گاهی ترسناک‌ترین مکان، خانه‌ای معمولی است که ساکنانش یاد گرفته‌اند بدون محبت، صداقت یا آزادی در آن زندگی کنند.

چه درس‌هایی می‌توان گرفت؟

اشتباه است اگر رمان «مادربزرگ وبستر» را داستانی اخلاقی و متعارف بدانیم که در آن شخصیت‌های خوب پاداش می‌گیرند و شخصیت‌های بد مجازات می‌شوند. بلک‌وود نویسنده‌ای دقیق‌تر از آن است که انسان‌ها را به این سادگی به دو دسته تقسیم کند. شخصیت‌های او اغلب ناخوشایندند، اما در عین حال محصول تاریخ، شرایط و محیط اجتماعی خود نیز هستند. با این همه، چند درس مهم از دل رمان بیرون می‌آید. نخست اینکه آبرومندی ظاهری با نیک‌بودن یکی نیست. ممکن است کسی تمام قواعد اجتماعی را رعایت کند، اما با دیگران بی‌رحمانه یا بی‌تفاوت رفتار کند. اخلاق واقعی چیزی فراتر از حفظ ظاهر است؛ اخلاق مستلزم همدلی و احساس مسئولیت در برابر دیگران است. دوم اینکه وفاداری به خانواده نباید به معنای اطاعت بی‌چون‌وچرا باشد. خانواده می‌تواند منبع تعلق و حمایت باشد، اما ممکن است انتظارات زیان‌بار را نیز بازتولید کند. دوست داشتن خانواده به این معنا نیست که وانمود کنیم اشتباهات آن هرگز اتفاق نیفتاده‌اند. سوم اینکه نباید رنج عاطفی را زیبا جلوه داد یا نادیده گرفت. تصویر رمان از رنج روانی، تحت تأثیر زمانه‌ی نگارش، نگاه راوی و سبک طنزآمیز و تلخ نویسنده قرار دارد. بنابراین، خواننده‌ی امروزی باید با نگاهی انتقادی به بازنمایی بیماری روانی در اثر نزدیک شود و رفتارهای نامتعارف یا رنج روان‌شناختی را صرفاً وسیله‌ای برای سرگرمی تلقی نکند. و سرانجام، گذشته را باید فهمید، نه پرستید. تاریخ می‌تواند توضیح دهد که چرا انسان‌ها به شیوه‌ای خاص رفتار می‌کنند، اما لزوماً رفتار آنها را توجیه نمی‌کند. می‌توانیم شرایطی را که نسل‌های پیشین در آن زندگی کرده‌اند درک کنیم، بی‌آنکه تمام باورها و عادت‌هایی را که به ما منتقل کرده‌اند بپذیریم. این درس‌ها نه از طریق اندرزهای مستقیم، بلکه از خلال آگاهی تدریجی خواننده از فاصله میان ارزش‌هایی که خانواده ادعا می‌کند به آنها پایبند است و واقعیتی که اعضای آن تجربه می‌کنند، شکل می‌گیرند.

اختلال در صنعت چاپ و مخاطرات آن

بابک عابدین، رئیس اتحادیه چاپخانه‌داران و صحاف تهران، و رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان صنعت چاپ و بسته‌بندی ایران در ششمین آیین تقدیر از فعالان چاپ استان تهران، اظهار کرد: «نشان یک عمر تلاش، عنوانی ارزشمند و پرافتخار است که اعتبار آن به انسان‌هایی بازمی‌گردد که عمر خود را صرف توسعه این صنعت کرده‌اند؛ افرادی که علاوه بر فعالیت حرفه‌ای، نیروی انسانی تربیت کرده و تجربه‌های ارزشمند خود را در اختیار نسل‌های آینده قرار داده‌اند. پیشکسوتان و بزرگان این صنعت حتی در سخت‌ترین شرایط نیز چراغ صنعت را روشن نگه داشته‌اند و امیدواریم بتوانیم ضمن قدردانی از آنان در زمان حیاتشان، بیش از گذشته از تجربه و دانششان بهره‌مند شویم.» او در ادامه به بررسی شرایط، بحران‌های اقتصادی و محدودیت‌های صادراتی در این صنعت اشاره کرد، که در ادامه آمده است:

چاپ در روزگار بحران

صنعت چاپ در تمام شرایط در کنار مردم و کشور بوده و به فعالیت خود ادامه داده است. نمونه بارز این همراهی را در دوران جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان شاهد بودیم؛ دوره‌ای که در کنار تحریم‌های شدید و فشارهای اقتصادی، فعالان صنعت چاپ با تلاش بی‌وقفه، تداوم تولید و تأمین نیاز بازار را دنبال کردند. شاید بخشی از این تلاش‌ها کمتر دیده شود، اما افزایش هزینه‌های دستمزد، نگهداری ماشین‌آلات، برق، آب، گاز و سایر هزینه‌های جاری، فشار قابل توجهی بر واحدهای تولیدی وارد کرده است. در شرایطی که اجرت خدمات چاپ متناسب با رشد هزینه‌ها افزایش پیدا نمی‌کند و بسیاری از واحدها امکان انتقال این افزایش هزینه‌ها به سفارش‌دهندگان را ندارند، بخش عمده فشار اقتصادی بر دوش تولیدکنندگان باقی می‌ماند. بسیاری از همکاران ما برای حفظ اشتغال، نگهداشت مشتریان، آرامش بازار و استمرار تولید، این فشارها را پذیرفته‌اند و با تمام توان و از خودگذشتگی به فعالیت خود ادامه می‌دهند. از همین جا از همه فعالان صنعت چاپ، به‌ویژه همکاران پرتلاش در تهران که با عشق و تعهد برای ایران چاپ می‌کنند، قدردانی می‌کنم. این همراهی و ایستادگی به حمایت عملی دستگاه‌های دولتی نیاز دارد. فعالان صنعت چاپ امروز با مسائل متعددی روبه‌رو هستند؛ از جمله مشکلات و اعمال سلیقه در رسیدگی به پرونده‌های مالیاتی، چالش‌های تأمین اجتماعی و روابط کار، مسائل مربوط به پیمانکاری‌های تأمین اجتماعی، مشاغل سخت و زیان‌آور، تخصیص ارز، بهینه‌سازی و سهمیه ارزی، بی‌ثباتی قیمت مواد اولیه و ضرورت نوسازی ماشین‌آلات. ما در اتحادیه تلاش کرده‌ایم این مسائل را در چارچوب قانون و از طریق گفت‌وگو و تعامل با دستگاه‌های مسئول پیگیری کنیم. انتظار داریم مسئولان دولتی نیز در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، شرایط واقعی و توان اقتصادی واحدهای چاپی را در نظر بگیرند. بخش عمده کالاهای ضروری و مورد نیاز مردم، از محصولات غذایی و دارویی گرفته تا محصولات صنعتی، برای عرضه در بازار به خدمات چاپ و بسته‌بندی وابسته هستند. همچنین صادرات محصولات غیرنفتی کشور نیز به‌شدت به عملکرد این صنعت وابستگی دارد. هرگونه مشکل یا اختلال در صنعت چاپ و بسته‌بندی می‌تواند به سایر بخش‌های تولیدی و فرهنگی کشور سرایت کند و زنجیره تأمین را با چالش مواجه سازد. بنابراین، حمایت از این صنعت صرفاً حمایت از یک بخش صنفی نیست، بلکه اقدامی برای حفظ پایداری بخش گسترده‌ای از اقتصاد کشور به شمار می‌رود.



صادرات در پسابحران

بر اساس تحقیقات انجام‌شده، سالانه حدود چهار میلیون تن مواد اولیه سلولزی و پلیمری در صنعت چاپ مصرف می‌شود که این رقم نشان‌دهنده گستردگی فعالیت و جایگاه اقتصادی این صنعت است. با عبور از شرایط بحرانی کنونی، بازگشت ایران به بازارهای جهانی، توسعه صنایع داخلی، تسهیل مبادلات بانکی و گسترش صادرات، صنعت چاپ و بسته‌بندی ظرفیت آن را دارد که طی پنج سال آینده میزان مصرف مواد اولیه خود را از چهار میلیون تن به شش میلیون تن افزایش دهد. چنین رشدی می‌تواند ارزش دلاری محصولات چاپ و بسته‌بندی را از حدود هشت میلیارد دلار فعلی به ۱۲ میلیارد دلار افزایش دهد. این ظرفیت اقتصادی ضرورت توجه ویژه مسئولان به صنعت چاپ و حمایت از زیرساخت‌های آن را بیش از پیش آشکار می‌کند.

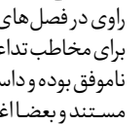
تسهیل در صدور مجوزها

همزمان با آغاز فعالیت مدیریت جدید اتحادیه، ۱۰۰ پروانه صنفی صادر و ۱۲۲ پروانه صنفی تمدید شده است. همچنین در این مدت ۳۵۰ مورد بازرسی از واحدهای صنفی انجام شده است. در طول این مدت حتی یک پروانه چاپ خارج از ضوابط و بدون دریافت مجوزهای لازم از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر نشده است. حساسیت اتحادیه در این زمینه ناشی از احترام به قانون و حفظ حقوق فعالانی است که برای فعالیت قانونی، زمان و هزینه صرف کرده‌اند. منصفانه نیست واحدهایی که تمامی ضوابط را رعایت می‌کنند، در کنار واحدهای فاقد مجوز و خارج از چارچوب قانونی فعالیت کنند و با شرایط نابرابر رقابت داشته باشند. اتحادیه آمادگی دارد با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مسیر دریافت مجوز را برای واحدهایی که تاکنون موفق به اخذ مجوز نشده‌اند تسهیل کند تا این واحدها نیز به چرخه فعالیت قانونی صنعت چاپ بپیوندند.

یادداشت

بخاطر ادبیات داستانی

معرفی و تحلیلی بر «نقد و بررسی آثار صادق چوبک»



علی پورصفری
نویسنده و منتقد

ما همه چیز داشتیم. نمایندگان متعدد در سبک و سیاق‌های مختلف. وقتی هدایت، علوی و جمالزاده شروع کردند اصلا نمی‌شد پیش‌بینی کرد کسی می‌آید که ناتورالیستی می‌نویسد، یکی رئالیسم ابتدایی، یکی رئالیسم جادویی و یکی سیال ذهن آن هم وقتی خود هدایت سورئالیسم مد نظر برتون و همقطارانش را به درستی درک کرده و نمونه‌ی ایرانیزه شده‌ی آن را اجرا کرده بود. در این بین چوبک که بیشترین گرایشش به مکتب امیل زولا بود توانست نمونه‌های موفقی در ادبیات فارسی از خود به یادگار بگذارد. چوبک مرموز بود و بر خلاف بعضی از نویسندگان که با حذف آنها از ادبیات داستانی فارسی اتفاق خاصی نمی‌افتد قابل حذف نیست. او در رمان سنگ صبور توانست از جریان سیال ذهن برای انعکاس ذهنیت شخصیت‌های داستان به شیوه‌ی تک‌گویی استفاده کند و اثری ماندگار و جاودانه‌ای را به مخاطبان جدی ادبیات عرضه کند. از ویژگی‌های جریان سیلان ذهن می‌توان به برش‌های زمانی پی در پی، درهم ریختگی دستوری، نشانه‌گذاری، تبعیت از زمان ذهنی شخصیت داستان و بعضا شاعرانگی در زبان به دلیل انعکاس ذهنیات مرحله‌ی پیش از گفتار شخصیت اشاره نمود. هر چند ریشه‌های این جریان را می‌توان در آثار تولستوی و داستایفسکی با دو شیوه‌ی مختلف پیدا کرد اما این جریان در ادبیات مدرن با آثار جیمز جویس از جمله اولیس و همچنین خانم دالووی و به سوی فانوس دریایی ویرجینیا وولف، خشم و هیاهو ویلیام فاکنر و پدرو پارامو خوان رولفو به اوج خود می‌رسد و در ایران نیز گلشیری، شهدادی، مندنی‌پور، معروفی و... از آن بهره جسته‌اند. و اما سنگ صبور چوبک که در سال ۱۳۴۵ منتشر شد به گونه‌ای موفق بود که مخاطب حرفه‌ای شگفت‌زده کرد در این رمان آن چیزی که آدم را شگفت‌زده می‌کند درآمیختن زندگی سیاه آمیخته با فقر مردم که در فضایی ناتورالیستی رخ می‌دهد به روش سیال ذهن می‌باشد. فضای رمان مانند کابوسی سهمگین است. فضایی که از تلخی و درد، خواننده را به بهت فرو می‌برد به گونه‌ای که هیچ راه گریزی از این پیشامدها وجود ندارد. اغراق نیست اگر بگویم سیف‌القلم شخصیتی است که رعب و هراس را به مخاطب القا می‌کند. جا به جایی راوی در فصل‌های گوناگون رمان فضایی فاکنری در رمان گور به گور را برای مخاطب تداعی می‌کند. چوبک در بعضی از داستان‌کوتاه‌های خود ناموفق بوده و داستان در طرح مانده است هر چند در جزئیات تصاویر مستند و بعضا اغراق آمیزی از عصر خود پیش روی خواننده ترسیم می‌کند. فیض شریفی این بار در جلد دوم مجموعه نقد و بررسی داستان زمان ما کارنامه‌ی ادبی صادق چوبک را معرفی و نقد نموده است. کتابی ارزشمند که به جزئی‌ترین مسائل ادبی و حواشی زندگی چوبک پرداخته به گونه‌ای که از جلسه‌ی خصوصی چوبک و رحمانی هم نگذشته است. این کتاب نیز مانند دو جلد دیگر که به نقد و بررسی آثار هدایت و گلشیری اختصاص یافته است با خویشتن‌نگاری صادق چوبک آغاز می‌گردد و به معرفی اجمالی آثار چوبک در صفحه‌ی ۱۴ کتاب می‌پردازد. در شروع توضیح و نقد مجموعه داستان خیمه‌شب‌بازی به تعریف طنز می‌پردازد و طنز دهخدا، جمال‌زاده، صادق هدایت و چوبک را در ردیف طنز ساتیری (طنز غربی) قرار داده است. و پس از طرح سوال مهم و به جای رئالیسم یا ناتورالیسم بودن چوبک در نهایت اعلام می‌کند کفه ترازوی چوبک به سمت مکتب ناتورالیستی گی دوموپاسان و امیل زولا سنگینی می‌کند. و در صفحات بعد به معرفی المان‌های مکتب ناتورالیسم می‌پردازد که از جمله می‌توان ارجح دانستن نظام محافظه‌کاری بر نظام انقلابیون، تاثیر وراثت، عشق محوری به شکل خواست جسمانی، افراط در شرح جزئیات و... را نام برد. شریفی به نقد و بررسی داستان‌های مجموعه داستان خیمه‌شب بازی می‌پردازد و نقاط ضعف و قوت این داستان‌ها را یک به یک برای مخاطب شرح می‌دهد و پس از آن به توضیح، تفسیر و نقد و بررسی داستان‌های کتاب انتری که لوطی‌اش مرده بود می‌پردازد. داستان چرا دریا توفانی شد را می‌ستاید و توصیفات او را از دریا همپای توصیفات کنراد و همینگوی می‌داند. شریفی پس از داستان مذکور به نقد و بررسی داستان قفس پرداخته که یک داستان سمبولیک است و نظریات براهنی و علی تسلیمی را در مورد این داستان بیان می‌کند. و در انتها به بررسی داستان انتری که لوطی‌اش مرده بود می‌پردازد. یکی از نقاط مثبت این کتاب این است که شریفی متن این داستان‌ها را برای فهم بهتر مخاطب در کتاب گنجانده است و همین باعث می‌شود که خواننده آنا منظور و مدلول نگارنده کتاب را دریابد. در صفحه ۱۱۵ کتاب بالاخره نقد و بررسی معروف‌ترین اثر چوبک، رمان تنگسیر آغاز می‌گردد که پس از بیان تلاش‌های مخالفان این رمان در جهت تخریب آن به بررسی آن کتاب از منظر بینامتنیت کریستوا و سایر نظریه‌پردازان، می‌پردازد که بخشی از نقد و بررسی این رمان از کتاب گشودن رمان حسین پاینده عینا ذکر گردیده است و سپس از این منظر به بررسی صحنه‌ی آغازین رمان می‌پردازد و این بررسی موشکافانه و جامع در صفحه‌ی ۱۵۹ کتاب با بررسی سیلان زمان‌ها و مکان و اشخاص و اشیا و گل سرخ و درخت‌ها از دریچه‌ی ذهن شخصیت اصلی رمان (کدی کامپسون) خشم و هیاهو فاکنر پایان می‌یابد. شریفی در ادامه‌ی کتاب به بررسی سایر آثار چوبک می‌پردازد و در انتها بعد از مقایسه جنایت و مکافات و سنگ صبور در صفحه ۳۳۰ کتاب در صفحه ۳۳۸ لایه‌های پسامدرنیستی رمان صبور را برای مخاطب هویدا می‌کند و در آخرین پاراگراف کتاب چوبک را بنیانگذار جریان سیال ذهن در ایران می‌داند. شریفی با زیرکی دست به انتخاب‌های متنوعی برای نقد و بررسی می‌زند و مجموعه این کتاب‌ها علاوه بر آنکه برای مخاطبین عادی ادبیات مفید می‌باشند حاوی پیام‌هایی محرمانه و حکیمانه برای نویسندگان جوان هستند. همان گونه که در ابتدای این یادداشت ذکر گردید روزی ما همه چیز داشتیم. نمایندگان متعدد در سبک و سیاق‌های مختلف که حالا با تلاش‌های زیانبارانه‌ی یک طیف فکری خاص همه چیز به تکرار و تکثر رسیده و به نوشتن در یک طیف فکری خاص منحصر شده است و برای این علاوه بر عدم تلاش‌های کافی نویسندگان نسل جدید و به تعبیر فاکنر عرق ریزی، هزینه‌های هنگفتی شده است. بدین توضیح ما که روزی با آن شروع توفانی هر چیز را عینا از سرچشمه می‌گرفتیم و با تمرین و ممارست آن را ایرانیزه و جاودانه می‌کردیم و به معنا و مفهوم واقعی به ادبیات خدمت می‌کردیم فی‌الحال به جایی رسیده‌ایم که دامنه‌ی دید و نگارشمان معطوف به نگاه و سیاقی خاص گردیده است به گونه‌ای که انگار دستی نامرئی تمام این قصه‌ها را می‌نویسد و به راستی باید پرسید برای ادبیات فارسی چه چیزی مرگبارتر از این وجود دارد؟

